

The Function of Beliefs (Monotheism - Resurrection) on Individual Behavior

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Authors

Hussein Khoshnoud¹

Reza Kahsari^{2*}

Seyed Ahmad Mirian Akandi³

Ibrahim Fallah⁴

How to cite this article

Hussein Khoshnoud, Reza Kahsari, Seyed Ahmad Mirian Akandi, Ibrahim Fallah. The Function of Beliefs (Monotheism - Resurrection) on Individual Behavior. *Journal of Quran and Medicine*. 2019;4(5):68-79

1. PhD Student, Department of Quran and Hadith Sciences, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran (Corresponding Author).

3. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

4. Assistant Professor, Department of Arabic Literature, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: kohsari888@gmail.com

Article History

Received: 2019/12/31

Accepted: 2020/03/05

ABSTRACT

From the perspective of the Holy Quran and Islamic hadiths, correct faith and beliefs have a special role in individual and social behaviors, as the basis of ethics, self-improvement and community building is based on beliefs. Nowadays, the study of religious functions on various dimensions of human existence has been the concern of psychologists, psychiatrists and behavioral and social scientists, and thinkers in the field of religion psychology, sociology of religion have also paid special attention to these issues. Its impact on society will be tangible. A society that believes in religious beliefs has a civilization and transcendence in opposite dimensions, and individuals will have stronger motivations to grow and prosper. This article descriptively-analytically examines the role of beliefs on the individual domain. The results of the study are that the results of God-centeredness and resurrection on individual behaviors can provide security, peace and mental health, avoidance and security of others. Meaningfulness, purposefulness and satisfaction with life, happiness and joy of heart, growth of moral virtues, physical health, positive thinking, reform and flourishing of worldly life, avoidance of deviance and avoidance of neglect, avoidance of worldliness, rationalism, presence in society and not isolation cited.

Keywords: Quran, individual behavior, God-centered behavior, belief beliefs

کارکرد باورهای اعتقادی (توحید - معاد) بر رفتار

فردی

حسین خوشنود^۱

دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

رضا کهنساری^{۲*}

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران (نویسنده مسئول).

سید احمد میریان آکندی^۳

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

ابراهیم فلاح^۴

استادیار، گروه ادبیات عرب، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

چکیده

از منظر قرآن کریم و احادیث اسلامی، ایمان و باورهای اعتقادی صحیح نقش ویژه‌ای در رفتارهای فردی و اجتماعی دارد، به نحوی که اساس اخلاق و خودسازی و جامعه سازی بر باورهای اعتقادی مبتنی می‌باشد. امروزه بررسی کارکردهای دینی بر ابعاد مختلف وجود انسانی از دغدغه‌های دانشمندان روانشناسی، روان‌پزشکی و علوم رفتاری و اجتماعی بوده است و اندیشمندان حوزه روانشناسی دین، جامعه‌شناسی دین نیز به این موضوعات توجه ویژه‌ای نموده‌اند. کارکرد باورهای اعتقادی در حیطه رفتارهای فردی انسان، مثبت بوده و تاثیر آن بر اجتماع ملموس خواهد بود. جامعه معتقد به باورهای دینی، از تمدن و تعالی در ابعاد مخالف برخوردار بوده و افراد انگیزه‌های قوی تری در رشد و ترقی خواهند داشت. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی نقش باورهای اعتقادی بر حیطه فردی پرداخته نتایج حاصل از پژوهش این است که از نتایج خدامحوری و معاد باوری بر رفتارهای فردی می‌توان به تأمین امنیت، آرامش و سلامت روانی، تعدی‌گریزی و تأمین امنیت دیگران، معناداری، هدفمندی و رضایت از زندگی، شادی و نشاط قلبی، رشد فضایل اخلاقی، سلامت جسمی، مثبت‌اندیشی، اصلاح و شکوفایی زندگی دنیوی، انحراف‌گریزی و پرهیز از غفلت، پرهیز از دنیاگرایی، عقل‌گرایی، حضور در اجتماع و عدم انزوا اشاره نمود.

کلیدواژه‌ها: قرآن، خدامحوری، باورهای اعتقادی، رفتارهای فردی، معادباوری.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۵

*نویسنده مسئول: kohsari888@gmail.com

مقدمه

در عصر کنونی، دین به‌عنوان یک حقیقت کاربردی در جهت کنترل رفتارهای فردی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. دین مبین اسلام بر پایه اصول بنیادین توحید و معاد قرار گرفته و از منظر قرآن کریم ایمان و باور به آموزه‌های اعتقادی اسلام جایگاه ویژه‌ای در نظام رفتاری فرد و جامعه دارد. غرض اسلام در عبادت برداشتن پرده‌های غفلت از یاد خدا و آخرت می‌باشد؛ چرا که این تهذیب در حیات اخروی انسان تأثیر به‌سزایی دارد. آنچه دین اسلام انسان‌ها را بدان دعوت می‌کند، حضور خداوند در بطن زندگی انسان است. توحیدی که در اسلام بدان امر شده توحیدی ذاتی می‌باشد که انسان با شهودی ساده آن را با فطرت خویش درمی‌یابد و توحید ذاتی باری تعالی از یک اطلاق مطلق بی‌هیچ قیدی نشأت می‌گیرد. طبق آیه‌ی «اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» (انعام/۱۰۶) از آنچه از پروردگارت به تو وحی شده پیروی کن. هیچ معبودی جز او نیست. اگر انسان به زندگی پس از مرگ باور نداشته باشد، زندگی خود را بیهوده و بی‌هدف می‌پندارد؛ اما اگر انسان باور و اعتقاد داشته باشد که پس از مرگ حیاتی وجود دارد دیگر این احساس در او ایجاد نخواهد شد؛ زیرا که «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّا لَنَدَارُ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ» (عنکبوت/۶۴) این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست، و زندگی حقیقی همانا [در] سرای آخرت است.»

و لذا زندگی انسان با معاد باوری ارزش پیدا می‌کند و این اعتقاد در پرتو خداباوری شکل می‌گیرد. باور و اعتقاد به دین موجب از بین رفتن هیجان‌های مختلف می‌شود؛ چرا که اعتقاد به معاد و توحید منجر به بروز نیت‌های درونی و بیرونی افراد در جامعه می‌شود؛ تمامی این موارد از آنجا سرچشمه می‌گیرد که دعوت اسلام توأم با عقل و منطق است؛ بر همین اساس می‌توان گفت که انسان با این عناصر رفتارهای فردی خود را با باورهای اعتقادی تنظیم می‌نماید.

بیان مساله

توجه دین به سعادت و حیات اخروی انسان، بدان معنا نیست که دین نقشی در زندگی دنیوی انسان نداشته باشد. آموزه‌های اعتقادی و باورهای دینی دارای دستورهای ویژه‌ای برای حیات فردی داشته که هرکدام منشأ ثمرات و برکات فراوانی برای جوامع انسانی است. با توجه به تأثیر سلامت فردی بر سلامت اجتماعی، می‌توان به تأثیر مستقیم این مسئله بر ابعاد اجتماعی نیز اشاره نمود. یک جامعه از تک‌تک افراد آن جامعه تشکیل یافته و لذا در جامعه ای با افراد باورمند و معتقد به آموزه‌های دینی، آمار جرم و انحراف و مفساد اجتماعی پایین‌تر بوده و حجم‌های غیردینی‌شناسایی و کنترل می‌گردند. حال با این مقدمه این سوالات مطرح می‌گردد که به طور کلی باورها چه جایگاهی در نگرش انسان به زندگی داشته و افراد باورمند به اعتقادات دینی به ویژه در حوزه توحید و معاد، چه عملکرد و رفتار متفاوت فردی از خود بروز می‌دهند؟ به طور کلی ایمان به توحید و معاد چه تاثیری بر انسان می‌گذارد که سبب تمایز رفتاری نسبت به افراد غیرباورمند دارد؟ این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی درصدد پاسخ به این پرسش‌هاست. پیشینه عامی که در مباحث توحیدی و

ایجاد آرامش روانی یکی از جنبه‌های ارزشمند در باورهای اعتقادی است. نیایش، توکل و توسل به خداوند روش مهمی در دین به حساب می‌آید. دین به‌طور عام از ارتباط انسان با خالق و اعتقاد به حضور او سخن گفته و می‌تواند در ایجاد آرامش و بهداشت و درمان بیماری‌های روانی تأثیر به‌سزایی بگذارد (۸). در قرآن کریم، آرامش، سلامت و امنیت روانی از آثار مهم ایمان و یکی از صفات ویژه‌ی مؤمنان معرفی شده است: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ» (فتح/۴) اوست آن کس که در دل‌های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند»

قرآن کریم مؤمنانی را که از ظلم دوری می‌نمایند به دستیابی به جایگاهی امن و هدایت بشارت می‌دهد: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» (انعام/ ۸۲) کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیاورده‌اند، آنان راست ایمنی و ایشان راه‌یافتگانند. در ایمان کاذب، حقیقت ایمان بر قلب تسلط نیافته اما نتیجه ایمان صادق، اطمینان به قدرتی برتری است که به انسان در فراز و نشیب‌های زندگی، حس امنیت داده و بر حکمت و خواسته او تکیه نماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ» (رعد/ ۲۸) همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. کسی از آرامش صادق و امنیت راستین بهره‌مند است که با علم و بینش صحیح و عمل صالح به بارگاه ایمان واقعی می‌رسد، و اگر اضطرابی درونش راه یابد، در پرتو آن امنیت صادق از میان رفته و به آرامشی راستین دست می‌یابد (۹).

امام علی (ع) درباره آرامش و ایمان پیامبر(ص) به نصرت الهی در بحبوحه جنگ می‌فرماید: «در جنگ بدر رسول خدا از سر شب تا بامداد در کنار درختی سرگرم زمزمه و مناجات با خدا بود؛ گویا اصلاً جنگی در کار نبود. در صورتی که نه کارآموده جنگ بود و نه ساز و برگ نظامی در اختیار داشت. همه در هراس بودند و تنها او از ترس مصون بود. (۱۰)» لذا یکی از مهم‌ترین جلوه‌ها و آثار ایمان مذهبی بر رفتارهای فردی انسان، آرامش خاطر اوست. انسان فطرتاً جویای سعادت خویش است و از تصور وصول به سعادت غرق در شادی و از تفکر آینده نامشخص و مبهم دچار تزلزل و اضطراب می‌گردد. ایمان و خدا‌باوری و ایمان به معاد، مایه زنده شدن روح امید در انسان می‌گردد و نقطه امید، خداوندی است که صاحب تمام کمالات و دارنده همه نداشته‌های انسان است. از نظر دین مبین اسلام تنها راه آرامش روان، یاد خداوند و ارتباط ناگسستگی با اوست. از سویی دیگر بر اساس آیات قرآن برخی از انسانها در یک حالت اضطراب و نگرانی دائم به سر می‌برند، درحالی‌که گروهی از مردم که از باور و اعتقاد دینی برخوردارند، دارای اطمینان خاطرند:

«وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ» (احزاب/ ۳۹) و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند» انسان باورمند هرگز ملامت‌ها و سرزنش این‌وآن در اراده آهنینشان اثر نمی‌گذارد «وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» (مائده/ ۵۴) «و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌ترسند» و هرگز به خاطر آنچه از دست داده‌اند غمگین نمی‌شوند و به آنچه دارند دل‌بستگی

معاد مطرح می‌گردد می‌تواند شامل تمام منابعی باشد که از صدر اسلام تاکنون تدوین گردیده است، اما پیشینه خاصی که به شکلی ویژه عنوان مشابه و یا موازی پژوهش حاضر را دنبال نماید، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: «مرتضی مطهری، انسان و ایمان (۱)؛ جعفر سبحانی، ایمان و آثار سازنده آن، (۲)؛ فاطمه فرهادیان، سلامت روانی در پرتو التزام به آموزه‌های دینی؛ محمدتقی فعالی، ایمان و چالش‌های معاصر؛ یوسف قرضاوی، نقش ایمان در زندگی انسان، (۳)؛ فهیمه علی تبریزی نژاد، پایان نامه «تأثیر معاد باوری بر انسان از منظر آیات و روایات»، قم، مرکز حوزه علمیه خواهران. در بررسی مقالات و کتب و سایر آثار پژوهشی این نکته آشکار می‌گردد که اگرچه موضوع معاد و توحید به عنوان موضوعی عام مورد توجه قرار گرفته، اما پژوهشی به شکل مستقل نقش باورها را بر رفتارهای فردی مورد بررسی قرار نداده است. مفهوم شناسی

الف- باور: باور حالت یقینی است که ذهن انسان در برخورد با آن سه حالت را به خود می‌گیرد یا تغییری ایجاد نمی‌شود و نسبت به آن متفاوت است یا در مقابل آن مقاومت می‌کند و آن قضیه را رد می‌کند یا آن قضیه را می‌پذیرد و آن را باور دارد (۴). دیوید هیوم نخستین فیلسوفی است که اصطلاح روانشناسی باور را مطرح کرده است و بیان می‌کند که باور بیشتر به یک احساس است تا فهم از یک چیز (۵). در تعریف روانشناسی باورها یا عقاید، اندیشه‌هایی هستند که فرد به درستی و حقایق آن‌ها اعتقاد دارد (۶).

ب- رفتار: هر فعالیت و عملی که موجود زنده انجام می‌دهد و متضمن کارهای بدنی آشکار و پنهان اعمال فیزیولوژیک، عاطفی و فعالیت عقلی باشد، این اصطلاح برای هر عمل خاص یا مجموعه اعمال به کار می‌رود. (شعاری نژاد، ۱۳۶۴ ش، ۵۴) رفتار می‌تواند در حوزه فرد و شخص (فردی) و جامعه و اجتماع مطرح گردد.

نقش باورها در رفتارهای فردی

باورهای اعتقادی در زندگی فردی انسان تأثیر به‌سزایی دارد؛ زیرا انسان در حیطه رفتاری، عمل خود را بر مبنای باورها صورت می‌دهد. خداوند متعال به انسان نیروی عقل عطا فرمود و پیامبرانی را با دلایل و احکام و قوانین محکمی برای تربیت انسان فرستاده است. بر این بنیان هر جامعه‌ای بر اساس یک نظام خاص درصد تربیت انسان‌هایی است که بتوانند باورهای اعتقادی را در خود متبلور سازند؛ و بشر امروز بیش از پیش نیازمند تعادل روانی است و این امر تبیین و تحلیل باورهای اعتقادی و عملکرد آن را در سطح رفتارهای فردی می‌طلبد که در ادامه عملکرد باورهای اعتقادی در این موضوعات بررسی می‌شود:

تأمین امنیت، آرامش و سلامت روانی

یکی از مهم‌ترین آثار و کارکردهای باور به توحید، رسیدن به آرامش و سازگاری روانی است. باور دینی به‌خصوص باور به توحید، یکی از منابع مهم تأمین آرامش است. «دین می‌تواند در روند پیچیده و مداومی برای انسان ایفا نماید که مردم گاهی به روش‌های دیگر، می‌کوشند تا به‌وسیله آن مشکلات شخصی و موقعیتی را در زندگی خود دریابند و با آن‌ها کنار آیند (۷).

شدید ندارند: «لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ» (حدید/ ۲۳) «آنچه از دست شما رفته اندوهگین نشوید و به [سبب] آنچه به شما داده است شادمانی نکنید.»

انسان باورمند می‌داند که خداوند همراه اوست و به او وعده می‌دهد که در مشکلات و مسائل، هرگاه او را بخواند، او پاسخ می‌دهد: «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (بقره/ ۱۸۶) و هرگاه بندگانی من، از تو در باره من بپرسند، [بگو] من نزدیکم، و دعای دعاکننده را- به هنگامی که مرا بخواند- اجابت می‌کنم، پس [آنان] باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند، باشد که راه یابند.»

بنابراین هرگونه امنیتی در هر بعد از ابعاد آن، در ایمان و باورهای اعتقاداتی ریشه دارد و هرگونه ناامنی، بازگشت ریشه اش به بی‌ایمانی و بی‌اعتقادی به توحید و معاد می‌باشد که سبب بروز کفر، ظلم، استکبار می‌گردد. بنابراین، اولین و مهم‌ترین اثر باورهای اعتقادی که محرک رفتارهای سازنده و صحیح می‌باشد، مقوله سلامت روان می‌باشد. انسان باورمند در همه حال سلامت روانی و درونی خود را با تکیه بر اعتقادات و باورها حفظ نموده و اعتقاد به خداوند و نیز به معاد سبب می‌گردد که احوالات جهان را کوتاه و گذرا دانسته و لذا دچار ناامیدی و یأس نگشته و زندگی برای او خاتمه یافته نیست. او در امور مختلف بر خود و احوالات خود تسلط داشته و تمام امور خود را با باورهای اعتقادی حل می‌نماید.

ظلم‌گریزی و تامین امنیت دیگران

امنیت یکی از اصول و مبانی فرد و اجتماع و زمینه ساز استفاده از موهبت‌های تکامل بشر و از ارزشمندترین آرمان‌هاست.

آیات الهی با تأکید بر اصل کرامت و ارزش‌والای انسان، بر حفظ حرمت و حریم او و امنیت فردی و مخالفت با هرگونه تعدی به او پای‌فشاری نموده‌اند. بدیهی است ایمان مؤمنین، انجام اعمال صالح مقتضی رعایت امنیت فردی افراد و عدم تعرض و تعدی به حقوق آنان است. برای نمونه ایمان و اعتماد افراد جامعه نسبت به یکدیگر که به نحوی در ایجاد امنیت موثر است در قرآن مورد توجه قرار گرفته است و از مسلمانان خواسته شده تا در حق یکدیگر خیانت ننموده و حس امنیت و اعتماد به یکدیگر در جامعه برقرار باشد.

قرآن در این باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (انفال/ ۲۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خدا و پیامبر او خیانت نکنید و [نیز] در امانتهای خود خیانت نورزید و خود می‌دانید [که نباید خیانت کرد].» اولین نکته ایی که در روایات جلب توجه می‌کند، حرمت و کرامت و ارزشمندی مؤمنین و سپس سایر انسان‌هاست و این احادیث در امتداد خط فکری قرآن بر این مساله پافشاری کرده و حرمت و حریم فردی انسان‌ها را امن دانسته و آن را از هرگونه تعدی و آسیب و ایداء ایمن دانسته‌اند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «حرمت مؤمن از کعبه بیشتر است (۱۱)». و به تعبیر ایشان «خداوند تمام امور مؤمن را به خود وی واگذار کرده است، اما این که خود را ذلیل کند را به وی واگذار نکرده است (۱۲)».

لازم به ذکر است که مقوله امنیت از دو بعد با موضوع باورهای اعتقادی در ارتباط است، یکی به جهت آنکه انسان باورمند و معتقد با نگاه خدامحوری و معاد باوری، در تلاش است تا از هرگونه خطا یا اشتباه پرهیز نموده و تجاوز و تعدی نسبت به دیگران نداشته و حقوق اطرافیان خود را چه در خانواده و اجتماع رعایت نماید، لذا دیگران از دست و زبان او در امان بوده و در اجتماع نیز طالب امنیت بوده و از سرکشی و اختلال می‌پرهیزد. او معتقد است، طبق آیه زیر خداوند سمیع علیم است: «وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُوا وَتَقُوا وَتَصْلَحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (بقره/ ۲۴) و خدا را دستاویز سوگندهای خود قرار مدهید، تا [بدین بهانه] از نیکوکاری و پرهیزگاری و سازش دادن میان مردم [باز ایستید]، و خدا شنوای داناست.» انسان مومن با توجه به آیه حیلوله «وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ يُحْشَرُونَ» (انفال/ ۲۴) و بدانید که خدا میان آدمی و دلش حایل می‌گردد، و هم در نزد او محشور خواهید شد.» او را از خود به خود نزدیک تر می‌بیند، و لذا با این باور توحیدی که برگرفته از شناخت صفات الهی است؛ صفاتی که در نهایت کمالی قرار داشته است، از هرگونه رفتاری که مانع امنیت در خانواده و اجتماع است، می‌پرهیزد. همچنین او باور دارد که معادی در پیش است، لذا باید در مقابل خداوند پاسخگوی تمام اعمال بزرگ یا کوچک خود باشد، زیرا به فرموده قرآن: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزال/ ۷-۸) پس هر که هموزن ذره‌ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید. و هر که هموزن ذره‌ای بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید.» بنابراین هرگونه عملی که امنیت فردی، اجتماعی، مالی و جانی، آبرویی و عرضی دیگران را به خطر می‌اندازد، پرهیز نموده و در صورت تخلف و مرتکب شدن گناه و تعدی به حقوق و مرزهای دیگران که امنیت ایشان را در هر بعدی به خطر انداخته است، پشیمان شده و درصدد جبران بر می‌آید.

معناداری، هدفمندی و رضایت از زندگی

یک از اساسی‌ترین باورهای دینی که بر زندگی فرد اثر گذار می‌باشد، باورهای توحیدی است. انسان خدامحور و معاد باور، خدا را ناظر بر خویشتر دیده و در تلاش است تا در ارتباطش با سایر اعضای خانواده و اجتماع رعایت انصاف و احترام و حقوق را نموده و محیط منزل و اجتماع را محلی جهت عبادت خداوند و خدمت به بندگان او ببیند. در قرآن رشد انسان بر اساس خدامحوری است؛ بدین گونه که با اصلاح اعتقاد انسان او را به مسیر ایمان و توحید دعوت می‌کند: «فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (تغابن/ ۸) پس به خدا و پیامبر او و آن نوری که ما فرفرستادیم ایمان آورید، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است.»

موقفه‌های معناداری زندگی بر اساس باورهای دینی چون ایمان به خدا، غیب، روز قیامت، پیامبران الهی، و تصمیم بر بندگی است که سبب انگیزش رسیدن به بهشت و رهایی از جهنم و در مراتب بالاتر رسیدن به قرب الهی و حسن عاقبت می‌گردد. به تعبیر قرآن کریم برخی به لذت موقت و سطحی که در دنیا فراهم شده راضی شده و به دنبال اهداف و اغراض زندگی نیستند: «إِنَّ الَّذِينَ لَا

نگرش انسان به زندگی، واقع‌گرایانه باشد، انتظارات او از زندگی نیز واقع‌گرایانه خواهد بود و در پی آن، احساس او از زندگی نیز واقع‌بینانه خواهد شد. شاید بتوان گفت که «هماهنگی انتظارات با واقعیت‌ها» شرط اصلی شاد زیستن و رضایت از زندگی است. ناهماهنگی میان انتظارات و واقعیت‌ها، موجب دوگانگی شده، تضادهای بنیادینی به وجود می‌آورد که زبان آن، جبران‌ناپذیر است. بنابراین تنها انسان مؤمن و خدا‌باور است که با هریک از مقدرات الهی که مواجه گردد، همچنان راضی به رضای خداوند باقی می‌ماند. منشأ احساسات خوشنودی از خداوند و جهان و رضایت همه جانبه انسان، ایمان به خدای جهانیان است. بنابراین حس رضایت‌مندی به قضای الهی از ویژگی‌های انسان‌های خدا‌باور و معاد‌باور است. در نگاه انسان معاد‌باور، سختی‌های دنیا گذرا و غیرپایدار بوده و او تا حد توان در رفع مشکلات و مسائل تلاش می‌نماید.

شادی و نشاط قلبی

در منابع اسلامی، شادی و سرور قلبی حاصل از ایمان، مورد ستایش قرار گرفته است. در قرآن کریم تأکید شده است که اولیای الهی، ترس و اندوهی ندارند: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (یونس/ ۶۲) آگاه باشید، که بر دوستان خدا نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می‌شوند.

انسان خدا‌محور و معاد‌باور، از نشاط ظاهری و باطنی بیشتری برخوردار است. زیرا او خداوند را در امور زندگی معین و یاریگر خود دانسته و چون در جهت کسب رضای الهی حرکت می‌کند، از درون حس رضایت و شادمانی دارد. او می‌داند در هر شرایطی در حال بندگی است و این بندگی در عمل او ثبت خواهد شد، و لذا تفاوتی ندارد که در لحظات سختی و مشکلات است یا لذت و راحتی. چون معتقد است این احوالات گذراست. معاد‌باوری در او این حس را ایجاد می‌نماید که تمام این بندگی، ثبت و محفوظ خواهد بود و در مقابل آن ماجور است. او معتقد است که خداوند او را می‌بیند و از او و اعمالش راضی است، لذا چه لذت و نشاطی بالاتر از کسب رضای الهی. غم مؤمن در قلبش پنهان است و راز و نیاز خود را با خدا مطرح نموده و لذا مؤمن را همیشه در حال رضایت و شادی می‌توان دید. پس انسان آن زمانی که به خدا توکل و همه امور را به او واگذار می‌کند، این توکل موجب شادی قلبی می‌شود؛ زیرا انسان با این عمل در درونش نشاط می‌یابد که به قدرت نامتناهی همیشه نگهبان تکیه نموده است. آیات فراوانی در قرآن راجع به توکل کردن به خداوند در هنگام آغاز کار وجود دارد: «وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَ سَجِّحْ بِحَمْدِهِ وَ كَمَىٰ بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا» (فرقان/ ۵۸) و بر آن زنده که نمی‌میرد توکل کن و به ستایش او تسبیح گوی و همین بس که او به گناهان بندگانش آگاه است. لذا توکل بر خدا به عنوان یک باور موجب می‌شود که انسان به خاطر این اعتماد و اعتقاد، خداوند را دوست بدارد: «إِنَّ يَنْصُرُكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَ إِنَّ يَخْذَلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (آل عمران/ ۱۲۲) آن هنگام که دو گروه از شما بر آن

يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَ رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اطْمَأَنَّنُوا بِالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ (یونس/ ۷) کسانی که امید به دیدار ما ندارند، و به زندگی دنیا دل خوش کرده و بدان اطمینان یافته‌اند، و کسانی که از آیات ما غافلند. خداوند بارها متذکر است که «مَا خَلَقْتُمْ هَٰذَا بَاطِلًا (آل عمران/ ۱۹۱) پروردگارا، اینها را بیهوده نیافریده‌ای. خداوند در آیه «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَ أَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» (مؤمنون/ ۱۱۵) آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده‌ایم و اینکه شما به سوی ما بازگردانیده نمی‌شوید؟» غرض مندی و عدم بیهودگی آفرینش را با مقوله معاد گره زده و در آیه «مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِنْ فُطُورٍ» (ملک/ ۳) در آفرینش آن [خدای] بخشایشگر هیچ گونه اختلاف [و تفاوتی] نمی‌بینی. باز بنگر، آیا خلل [و نقصانی] می‌بینی؟» اذعان می‌دارد که حتی موجودات و کائنات با دقتی هدفمند آفریده شده‌اند. بدون تردید باور به معاد تأثیر بسیار عمیق و گسترده‌ای در منش انسان در خانواده و اجتماع دارد. چون اعمال انسان بازتاب اعتقادات اوست؛ و به تعبیر دیگر، رفتار انسان ارتباط تنگاتنگی با جهان‌بینی او دارد. در نگاه امام علی (ع) دنیا‌گریزی و آخرت‌گرایی همواره مورد تأکید آن حضرت بوده و می‌فرماید: «دنیا خانه آرزوهایی است که زود نابود می‌شوند و کوچ کردن از وطن حتمی است.» (نهج البلاغه، خ ۴۵) مسئله معاد و ایمان و باور آن و تأثیر عمیق و گسترده آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان بسیار نقش‌آفرین و حائز اهمیت است. بیشترین عاملی که موجب می‌شود نوع انسان‌ها حداقل در ابتدا متوجه خدا بشوند بازگشت به جهان دیگر است. شاید به همین خاطر باشد که اعتقاد به معاد بیشترین آیات قرآن را به خود اختصاص داده است (۱۳).

معناداری زندگی و در نتیجه کسب موفقیت در عرصه‌های مختلف و حرکت در مسیری که نقشه آن توسط دین طراحی شده است، سبب کسب رضایت در زندگی خواهد شد.

احساس رضایت برای انسان از نخستین عوامل آرامش روانی است و آرامش روانی نیز رمز خوشبختی است. خواستگاه این رضایت از خود و جهان اطراف خود، خشنودی و رضایت از مبدا آفرینش است و سرچشمه‌ی این رضایت همه جانبه، ایمان به پروردگار جهانیان است (۳).

علاوه بر امور مادی، انسان به تقدیرات الهی راضی بوده و در مسائل بی‌تابی ننموده و به داشته‌های خود، امکانات، استعداد‌های خدادادی خود رضایت داشته و این حس رضایت، در او حس خوشبختی و بهروزی ایجاد می‌نماید. در مقابل انسانی که اعتقادات توحیدی و معاد‌باوری در او شکل نگرفته و یا از ضعف برخوردار است، چون نیازهای فطری معنوی و دینی او برآورده نمی‌شود، در تلاش است تا این خلأ را با امور دنیوی جبران نماید، در این حالت، یا در مادی‌گرایی و لذت‌های زودگذر دست و پا می‌زند و هرگز روی آرامش و دل‌سیری را نمی‌بیند و یا اینکه دستش از رفاه طلبی و لذت‌های ناپایدار هم کوتاه است و دائماً در حال شکایت و ناله است. در هر دو حالت او از زندگی لذت نمی‌برد، خوشی‌های دیگران در او حرص بیشتری ایجاد نموده و همواره به موفقیت‌های این و آن حسادت دارد. این در حالی است که اگر

دین، از پایه های مستحکم تری در نظام باورهای آدمی برخوردار می گردد. برای نمونه به چند مورد از فضایل اخلاقی اشاره می شود که اعتقادات دینی و ایمان به خدا و قیامت در آن ها نقش کلیدی دارد.

شکرگزاری

انسان خداپاور با اعتقاد به آیه «لئن شکرتم لآزیدنکم و لئن کفرتم لاین عذاب لشدید» (ابراهیم/۷) اگر واقعاً سپاسگزاری کنید، [نعمت] شما را افزون خواهم کرد، و اگر ناسپاسی نمایید، قطعاً عذاب من سخت خواهد بود.» همواره شاکر نعمت های الهی و شکرگزار انسان هایی است که نسبت به او حقی دارند. صفت سپاسگزاری و قدردان بودن نیز از ویژگی های شایسته ای است که در انسان های مؤمن وجود دارد. انسان خدامحور و خداپاور، همانطور که همه وقت و در هر حال نسبت به نعمت های خدا احساس امتنان می کند و وقتی ناراحتی ها و گرفتاری ها به سراغ او می آیند و زلزله های زندگی او را از جای تکان می دهد باز هم این احساس سپاسگذاری را از دست نمی دهد. او به هرچه خدا برایش مقدر گردانیده باشد و فرمان رانده باشد رضایت داده است. خداوند در قرآن می فرماید: «فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (انساء/۱۹) پس چه بسا چیزی را خوش نمی دارید و خدا در آن مصلحت فراوان قرار می دهد.»

مسلماً این خدامحوری و شکرهمیشگی در برابر منعم باعث مزید نعمت و قدرتشان گردیده است:

«وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ» (نمل/۱۵) و به راستی به داوود و سلیمان دانشی عطا کردیم، و آن دو گفتند: «ستایش خدایی را که ما را بر بسیاری از بندگان بایمانش برتری داده است.» جالب اینکه بلافاصله بعد از بیان موهبت بزرگ علم سخن از شکر به میان آمده، تا روشن شود هر نعمتی را شکری لازم است، و حقیقت شکر آن است که از آن نعمت در همان راهی که برای آن آفریده شده است استفاده شود و این دو پیامبر بزرگ از نعمت علمشان در نظام بخشیدن به یک حکومت الهی حداکثر بهره را گرفتند (۱۵).

خداوند درباره شکرگزاری در برابر عطایا و نعم الهی به آل داود می فرماید: «اعْمَلُوا ءَالَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ» (سبأ/۱۳) ای خاندان داوود، شکرگزار باشید. و از بندگان من اندکی سپاسگزارند.» خدامحوری و خداپاوری در حال اقتدار از مشخصه های اولیای الهی است که نتیجه این رسوخ ایمان اقرار به قدرت الهی و شکرگذاری و ساییدن پیشانی بندگی بر آستان خداوند است، چرا که توجه به خدا در شرایط ضعف و سستی از هر کسی انتظار می رود؛ اما بسیاری از شجاعان تاریخ در وقت پیروزی و اقتدار، فقط خود را می بینند و آن را متعلق به خود می دانند، پیروزی ها را از او می بینند و همواره شاکر درگاه اویند.

توکل

از دیگر سجایای اخلاقی توحید محوران و معادباوران روحیه توکل است. امام خمینی (ره) ذیل آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (انفال/۳) مؤمنان، همان کسانی اند که چون خدا یاد

شدند که سستی ورزند با آنکه خدا یاورشان بود. و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند.»

از این رو رسول خدا (ص) در روایتی می فرماید: «هر چه ایمان بندهای افزایش یابد، علاقه و محبت وی هم نسبت به زنان (خود) افزایش می یابد (۱۴).» حضرت علی (ع) در خطبه ی ۱۲۹ می فرماید: «بندگان خدا! شما و آنچه از این دنیا آرزومندید، مهمانانی هستید که مدتی معین برای شما قرار داده شده، بدهکارانی هستید که مهلت کوتاهی در پرداخت آن دارید و اعمال شما همگی حفظ می شود.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۹)

نوعاً انسان های باورمند از روحیه مهربانی و محبت بیشتری برخوردار بوده و همواره درصدد است تا جایی که ممکن است، به هموعان خود کمک رسانده و منشاء خدمات و خیرات باشد. لذا در امور خیر او را پیشقدم و در همدلی و مهربانی و همراهی او را ثابت قدم می توان دید. همین محبت و خیر و احسان به دیگران در وجود انسان، حس رضایت و شادمانی و نشاط ایجاد می نماید مانند نشاطی که انسان از عمل کریمانه ای می برد. هر چه اعتقادات و باورهای دینی و معنویت انسان بیشتر و عمیق تر باشد، محبت او نسبت به دیگران بیشتر و در نتیجه لذت و رضایت و شادی او نیز بیشتر خواهد شد.

رشد فضایل اخلاقی

فضیلت در اخلاق، به مفهوم «صفت پسندیده» و جمع آن «فضایل» است و در مقابل اصطلاح «رذیلت» به معنای «صفات زشت و ناپسند» قرار دارد که با واژه «رذایل» جمع بسته می شود (۲). کارکرد توحیدباوری در اصلاح و تهذیب اخلاق چه در بعد نفسانی و چه در بعد رفتاری، از زمره مهمترین مباحث است. از ویژگی های انسان های باورمند، خوش اخلاقی است. روابط انسانی نقش مهمی در زندگی انسان ایفا می نماید. مساله خوش اخلاقی مقوله ای است که همگان به ارزش فردی و اجتماعی آن اقرار داشته اند. در آیه ذیل ایمان با برخی صفات نیکو و سجایای اخلاقی همنشین گردیده است. در این آیه تقدم باورهای اعتقادی چون ایمان به خداوند و معادباوری نشان از پایه ای و اساسی بودن این مقوله ها در پرورش فضایل اخلاقی می باشد:

«لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّ ذَوِي الْقُرْبَىٰ ... وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (بقره/۱۷۷)

نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید، بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد، و مال [خود] را با وجود دوست داشتنش، به خویشاوندان و ... بدهد، و نماز را برپای دارد، و زکات را بدهد، و آنان که چون عهد ببندند، به عهد خود وفاداراند و در سختی و زیان، و به هنگام جنگ شکیبایانند آنانند کسانی که راست گفته اند، و آنان همان پرهیزگارانند.»

مقوله کلی پرورش فضایل و ترک رذایل اخلاقی، اگر چه مبانی کاملاً عقلایی داشته و جامعه ای موفق است که در آن نکات اخلاقی بیشتری رعایت شود اما این مقوله متکی بر عقل با حمایت

از دیگر ویژگی های اخلاقی خدااوران، داشتن صبر و استقامت است. صبر و استقامت در منظومه اخلاق، یکی از قله های مهم و اساسی است. انسان با ایمان می داند هر چیزی در جهان حساب معینی دارد و اگر عکس العملش در برابر تلخی ها به نحو مطلوب باشد، اگر هم خود این شکست ها غیرقابل جبران باشد، به نحوی دیگر از طرف خداوند متعال جبران می شود. خداوند آیات فراوانی را متوجه مسئله صبر فرموده است: «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ» (حدید/۲۲) هیچ مصیبتی نه در زمین و نه در نفسهای شما [به شما] نرسد، مگر آنکه پیش از آنکه آن را پدید آوریم، در کتابی است. این [کار] بر خدا آسان است.»

خدااوران و معادمحوران دریافته اند که مصیبت هایی که به آن ها می رسد ضربه های نسنجیده نیستند و هیچ جای کار اشتباه نشده است و همه مطابق قضای معلوم و قدر مرسوم و حکمت ازلی و نقض فرمانه الهی است و باور کرده اند که آنچه به آنان می رسد نمی توانسته که نرسد و آنچه به آنان نرسیده نمی بایسته است که برسد. دریافته اند که خدای متعال هم قضا و قدر دارد و هم لطف، هم بلا می فرستد و هم تخفیف می دهد. هر کس چنین پندارد که لطف خدا از قضا و قدرش جدا است از کوتاه نظری او است (۳).

آموزه صبر، هفتاد مرتبه در قرآن مورد تکرار و تأکید قرار گرفته است و در سیره علمی و عملی معصومان (ع) روحیه صبر و شکیبایی در ارتباط با دیگران به وضوح مشاهده می شود. بر پایه این سیره، انسان کریم و خدااور و معادباور، از خشم و غضب خودداری می کند؛ چراکه رفتارهای خشم آلود و جنون آمیز، گاه صدمات جبرانناپذیری دنیوی و اخروی را برای شخص به همراه خواهد داشت. شهید مطهری به صبر و باور به سنت آزمایش و ابتلاء الهی به عنوان یکی از صفات برتری انسان از جمادات پرداخته و اثر آن بر روان انسان را به زیبایی توضیح می دهد:

«این خصوصیت، مربوط به موجودات زنده بالاخص انسان است که سختی ها و گرفتاری ها، مقدمه کمالها و پیشرفت هاست. ضربه ها، جمادات را نابود می سازد و از قدرت آنان می کاهد؛ ولی موجودات زنده را تحریک می کند و نیرومند می سازد؛ بس زیادت ها که اندر نقص هاست. مصیبت ها و شدائد، برای تکامل بشر ضرورت دارد، اگر محنت ها و رنجها نباشد، بشر تباه می گردد (۱).»

امام باقر (ع) می فرماید: «هرگاه خداوند تبارک و تعالی بنده ای را دوست بدارد، او را در بلا غوطه ور سازد و باران بلا را بر سر او ریزد و چون به درگاه خدا دعا کند، می فرماید: لیبک بنده ای من، اگر بخواهم خواسته ی تو را برآورده کنم، توانیم، ولی اگر برایت ذخیره کنم، برای تو بهتر است.»

لذا مهمترین پاداش صبر، رشد و تعالی انسان خواهد بود و هر کس به میزان استقامت خود، محبوبیتی در نزد خداوند کسب می نماید و به همان میزان، از درجات تقوای بالاتری بهره مند می گردد. با این رویکرد، دیدگاه انسان نسبت به مشکلات تغییر می یابد و با حسن ظنی که به واسطه این دیدگاه در فرد ایجاد می شود با هر عاقبتی شکرگزاری می نماید و در بلا یا بردبار خواهد بود. و

شود دلپایشان بترسد، و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید، و بر پروردگار خود توکل می کنند.»

در ضمن برشمردن اوصاف مؤمنان درباره توکل می فرماید: «حقیقت توکل واگذار کردن جمیع امور به وکیل و اعتماد نمودن به وکالت اوست و صرف نظر نمودن از دیگران و چشم و امید از دیگران بستن است و آن مبتنی در چهار امر که ارکان توکل است: اول، علم به آنکه وکیل حاجت انسان را می داند؛ دوم، علم به آنکه قدرت به قضای حاجت دارد؛ سوم، علم به آنکه رحمت و شفقت به موکل دارد؛ چهارم، آنکه بخل از ساحت او دور است (۱۶).» تنها موحدین و خدااوران هستند که بر خدا توکل می کنند: «وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (مائده/۲۳) و اگر مؤمنید، به خدا توکل کنید. انسان های خدااور با تکیه و اعتماد بر خداوند پس از انجام امور، نتیجه کارشان را به او واگذار می کنند و اگر آن کار به نتیجه مطلوب نرسد یقین دارند که حتما خداوندی که دوست و یاور آنها است این مسئله را به صلاح بنده وی نمی دانسته لذا از این رو آرامش دارند که اگر چه کارشان به نتیجه نرسیده اما ضرری متوجه آنها نشده چرا که حتما خداوند این امر را به صلاح فرد نمی دانست. یکی از برجسته ترین نقاط سیره عملی حضرت هود روحیه توکل ایشان است: «إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنْ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (هود/۵۶) در حقیقت، من بر خدا، پروردگار خودم و پروردگار شما توکل کردم. هیچ جنبنده ای نیست مگر اینکه او مهار هستی اش را در دست دارد. به راستی پروردگار من بر راه راست است.»

در این جملات شاهد برائت شجاعانه و همراه با توکل و اعتماد به ذات لایزال الهی از سوی هود می باشیم که در تثبیت اعتقاد توحیدی در جان مخاطبان مؤثر است. همچنین در توکل حضرت نوح (ع) در قرآن کریم آمده است:

«وَآتَىٰ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ مَقَامِي وَتَذَكِّرُونَ بَأْيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ (یونس/۷۱) و خبر نوح را بر آنان بخوان، آن گاه که به قوم خود گفت: «ای قوم من، اگر مانند من [در میان شما] و اندرز دادن من به آیات خدا، بر شما گران آمده است، [بدانید که من] بر خدا توکل کرده ام. پس [در] کارتان با شریکان خود همدستان شوید، تا کارتان بر شما ملتبس ننماید سپس در باره من تصمیم بگیرید و مهلت ندهید.»

در این آیه شریفه به اضافه اینکه توکل (واگذار کردن موجودیت خود به خدا) مانع احساس ناتوانی در برابر خودکامگان و دشمنان ارزش های انسانی بیان شده است، عامل قدرت فوق العاده بالائی می باشد که حضرت نوح (ع) بوسیله داشتن آن آماده شهادت در راه خدا می شود. آری توکل، چنین قدرت بزرگ الهی را به انسان می بخشد (۱۷). بنابراین داشتن روحیه توکل از مهم ترین شاخصه های انسان های مومن و خدامحور و معادباور است.

صبر و استقامت

خطاهای اوست و چون این فرد معاد باور است، می داند که این عفو و گذشت گم و رها نشده و در نزد خداوند ماجور است.

تغافل

یکی دیگر از فضایل اخلاقی، تغافل است. تغافل، یعنی غافل نشان دادن خود؛ به این معنا که انسان آنچه را بدان آگاه است با اراده، بی خبر و غافل از آن وانمود نماید. در قرآن بهترین واژه‌ای که این معنی را به طور کامل می‌رساند، واژه «صفح» می‌باشد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا» (نور/۲۲) عفو کنند و گذشت نمایند.»

راغب اصفهانی در مورد این واژه می‌گوید:

«صفح آن است که مجرم را سرزنش نکنی (و گناهش را به رو نیآوری) هرچند عفو و صفح به یک معنی و هر دو در مورد گذشت و چشم‌پوشی از تقصیر دیگران است، ولی باید دانست که واژه صفح در افاده این معنی رساتر است. در عفو با فرض گناه، روی آن سرپوش می‌گذارند، اما در صفح به طور کلی گناه را نادیده می‌انگارند (۱۸).» تغافل نشانه کرامت نفس آدمی است. امام علی(ع) تغافل را از فهرست بهترین اعمال آدمی قرار داده است:

«از بهترین اعمال شخص بزرگوار، چشم‌پوشی اوست از آنچه می‌داند.» (نهج‌البلاغه، ص ۵۰۷) با تغافل کارها مورد پسند دیگران قرار می‌گیرد و به این وسیله روابط فرد با دیگران مستحکم شده و پیوندهای مستحکم اجتماعی حفظ می‌گردد؛ امام صادق(ع) تغافل را لازمه تعامل با دیگران در زندگی دانسته است:

«صلاح زندگی و معاشرت با مردم محتوای پیمانه پری است که دو سومش فهم و آگاهی باشد و یک سومش تغافل (۱۹).» بنابراین می‌توان به علت دعوت قرآن به تغافل و بخشش پی برد: «فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرٍ» (بقره/۱۰۹) پس عفو کنید و درگذرید، تا خدا فرمان خویش را بیاورد.»

حال در تبیین رابطه خداباوری با مقوله تغافل باید گفت که در حالت طبیعی، عقل حسابگر انسان معتقد است که در برابر اشتباه و خطای طرف مقابل باید بلافاصله واکنش نشان داده و او را به اشتباهش متذکر نمود. اما انسان مومن و خداباور معتقد است که خداوند سميع و بصیر است: «إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ» (مجادله/۱) خدا شنوای بیناست. او بر احوال بندگان آگاه است و شنوا و بینا به هر چیز است. و لذا تغافل و صفح از اشتباه دیگران که درجه ای بالاتر از عفو بخشش است، از علم خداوند پنهان نمانده و همین انسان خداباور با اعتقاد به قیامت و معاد، معتقد است که در قیامت در برابر این عمل اخلاقی خود ماجور خواهد بود و در مقابل خداوند نیز با گناهان او با تغافل برخورد می‌نماید. و لذا خداباوری و ایمان به معاد هر درجه که در انسان ترقی یابد، به همان اندازه این روحیه تغافل در او قوی تر می‌گردد.

تواضع

از دیگر سجایای اخلاقی که در رفتارهای انسان باورمند تجلی می‌یابد، تواضع است. از منظر دینی تواضع یکی از ویژگی‌های انسان مؤمن و باورمند شمرده می‌شود. سیره نبی مکرم اسلام حاکی از آن است که ایشان به این صفت اخلاقی مزین بودند و بنابر رهنمود و حیاتی: «وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (شعرا/۲۱۵)

اینگونه است که باورهای اعتقادی در زندگی فردی انسان تاثیر می‌گذارد.

خداوند، پیامبر گرامی اش را مخاطب قرار می‌دهد و در این باره می‌فرماید: «فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ» (طه/۱۳۰) پس بر آنچه می‌گویند شکیبا باش، و با ستایش پروردگارت [او را] تسبیح گو و نیز «اتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَ اصْبِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ وَ هُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ» (یونس/۱۰۹) و از آنچه بر تو وحی می‌شود پیروی کن و شکیبا باش تا خدا [میان تو و آنان] داوری کند، و او بهترین داوران است.»

یکی از بهترین روش‌ها برای دعوت به صبر و تحمل، یادآوری سیره مردان استوار و نستوه است. قرآن کریم در این بخش نام چند پیامبر را بازگو کرده و در برابر گستاخی‌های مشرکان، به رسول اکرم(ص) می‌فرماید سیره آنان را به یاد بیاور: «اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ» (ص/۱۷) بر آنچه می‌گویند صبر کن، و داوود، بنده ما را که دارای امکانات [متعدد] بود به یاد آور آری، او بسیار بازگشت‌کننده [به سوی خدا] بود.» در این آیه خداوند به یادآوری صبر حضرت داود(ع) و الگو قرار دادن ایشان در صبر و بصیرت و انابه می‌پردازد.

بنابراین صبر نه تنها در بعد فردی، ضامن آرامش انسان است بلکه شاخص مهمی در مقوله باورهای توحیدی و تاثیر آن بر مولفه‌های رفتاری است. بر مبنای این اصل قرآنی، انسان‌هایی که محبوب خداوند هستند و درجه ایمان و خداباوری در آن‌ها بالاتر است، باید از صبر بالاتری برخوردار باشد.

عفو و گذشت

همچنین یکی دیگر از صفات ارزشمند انسانی که در زندگی فردی و اجتماعی انسان، نقش مهمی ایفا می‌کند، عفو و گذشت در برابر خطاهای دیگران است. این مقوله با تاثیر باورها در رفتار آدمی ارتباط مستقیمی دارد زیرا گذشت از خطای دیگران در محاسبات نظام فرد باورمند، متفاوت از انسان غیرباورمند است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

«وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَّا تُحِبُّوا أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ» (نور/۲۲) و باید عفو کنند و گذشت نمایند. مگر دوست ندارید که خدا بر شما ببخشايد؟ و خدا آمرزنده مهربان است.» بر طبق آیات قرآن کریم، عفو موجب رفع خیانت از دیگران، رفع سختی، جلوگیری از تخلف دیگران، بهره‌مندی از غفران و رحیمیت خداوند می‌گردد و احتمال سپاسگزاری فرد عفو شده نیز وجود دارد. بنابراین عفوکننده و عفوپذیر هر دو از برکات عفو بهره‌مند می‌شوند. رسول خدا(ص) نیز سیره خود را بر مبنای این اصل، اینگونه توصیف می‌نماید و می‌فرماید: «فتوت و بزرگ‌منشی ما، عفو و اغماض از کسی است که به ما ظلم کرده و بذل و عطا به کسی است که ما را محروم ساخته است (۱۱)»

بنابراین از آنجا که مدار زندگی انسان باورمند بر خدامحوری است، لذا گذشت از خطای دیگران، برابر با گذشت خداوند از

۱. بقره/۱۸۷.

۲. تغابن/۱۴.

۳. بقره/۵۲.

لَهُ فِي حَرْثِهِ (سوری/۲۰) کسی که کشت آخرت بخواد، برای وی در کشته‌اش می‌افزاییم». همچنین این مثبت اندیشی باید در انسان مومن نسبت به سایرین وجود داشته باشد: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ (حجرات/۱۲) ای کسانی که ایمان دارید، از بسیاری گمانها بپرهیزید که بعضی گمانها گناه است.» انسان خداپاور و ریشه اعتقادی قوی، نه تنها به سایر مسلمانان بلکه به همه مردم نگاهی مثبت داشته و اعمال ایشان را به خیر تعبیر می‌نماید. نگاه خداپاورانه و خدا محورانه در او تهنیدی ذهنی ایجاد می‌نماید که عیوب دیگران و کم و کاستی و نقص در رفتارهای دیگران را به نیکی تعبیر نموده و از کسی کینه ای به دل بر نمی‌دارد.

اصلاح و شکوفایی زندگی دنیوی

آنچه مایه امیدواری انسان به موفقیت در زندگی می‌گردد، دو چیز است: اول تلاش و دوم اطمینان به فراهم بودن شرایط موفقیت. باورهای اعتقادی نیز در جهان هستی همین نقش را دارد. ایمان به انسان اعتماد و اطمینان می‌بخشد و به او امید می‌دهد که نگران آینده اش نباشد؛ زیرا در جهان دیگر، پاداش تلاشهای خود را می‌یابد. از نظر فرد موحد، خداوند کریم حامی مردمی است که در راه حق و حقیقت و عدالت و خیر خواهی تلاش می‌کنند:

«إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ (محمد/۷) اگر خدا را یاری کنید یاریتان می‌کند.» و نیز می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (توبه/۱۲۰) خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند.»

اسلام فردی را در مسیر خدامحوری می‌داند که زحمتکش و کوشا باشد و نقش خودش را در زندگی ایفا کند و با زندگی داد و ستد داشته باشد و از انسان می‌خواهد در جهت تحقق بخشیدن اراده خدا که فرزندان آدم را نمایندگان خویش در زمین قرار داده است فعالیت کند: «ما لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ (هود/۶۱) برای شما هیچ معبودی جز او نیست. او شما را از زمین پدید آورد و در آن شما را استقرار داد. پس، از او آمرزش بخواهید، آن گاه به درگاه او توبه کنید.» انسان خدامدار دنیا را مزرعه آخرت قرار می‌دهد. این مزرعه نیاز به کار و کوشش دارد و محصول و میوه آن البته در آخرت بطور کامل برداشت می‌شود هرچند که برخی از آن نیز در دنیا به انسان می‌رسد. خداوند در قرآن بعد از سفارش به نماز جمعه به تلاش در جهت عمران زندگی و ادامه داد و ستد دعوت نموده و می‌فرماید: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ (جمعه/۱۰) و چون نماز گزارده شد، در [روی] زمین پراکنده گردید.» و نیز دعوت می‌نماید تا روزی خود را از خدا بخواهید: «فَاتَّبِعُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (عنکبوت/۱۷) پس روزی را پیش خدا بجوید و او را بپرستید و وی را سپاس گوید، که به سوی او بازگردانیده می‌شوید.» و این پیام‌ها نشان از آن دارد که انسان خدا باور معتقد است که مومن باید در عین عدم وابستگی به دنیا، این توان و قدرت روحی را داشته باشد تا نعمت خداوند را فزونی داده و به اصلاح و شکوفایی زندگی خود و محرومان بپردازد.

و برای آن مؤمنانی که تو را پیروی کرده‌اند، بال خود را فرو گستر.» و نیز «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامٌ» (فرقان/۶) بگو: آن را کسی نازل ساخته است که راز نهایها را در آسمانها و زمین می‌داند، و هموست که همواره آمرزنده مهربان است.» از نشانه‌های عبودیت و بندگی ایشان تواضع در رفتار است. نمود این رفتار در راه رفتن خالی از هرگونه تکبر و نیز سخنان ملایم و متواضعانه است. هر وجودی که در مسیر خلقت و آفرینش قرار گیرد به شکل تکوینی بنده خداوند محسوب می‌گردد. و هیچ ذره‌ای در عالم خود را از این مساله بری نمی‌داند. حتی اگر انسان از قبول آن سرباز زند، با این وجود بنده تکوینی خداوند است. اما بنده تشریحی، بنده ای است که با اعتقاد به خداوند و قیامت و سایر اصول و فروع دینی و عمل به باید ها و نبایدها، عبودیت و بندگی خالصانه خود را به اثبات رسانده است. در این آیه نیز تواضع از ویژگی‌های بندگان تشریحی خداوند محسوب گردیده است.

حفظ کرامت انسانی

تعظیم و تکریم انسان‌ها از دیگر نمونه‌های تجلی رفتارهای فردی بر یک انسان باورمند است. زیرا وی معتقد است، خداوند برای انسان کرامت ویژه‌ای قائل است و او را جانشین خود در زمین قرار داده است: «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِّيْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَةً» (بقره/۳۰) و پروردگار تو به فرشتگان گفت: «من در زمین جانشینی خواهم گماشت.» و لذا او در ادامه پیروی از باورهای خود برای خود و دیگران عزت و کرامت قائل خواهد بود ضمن آنکه این نوع رفتار فرد را از نظر اخلاقی رو به سوی کمال پیش برده و اثرات تکوینی بسیار جدی بر قرب او به سوی خداوند دارد. خداوند انسان‌ها را واجد کرامت می‌داند و اساس اصلاح را بر رشد کرامت انسانی قرار داده بود چراکه تکریم انسان را مقرر نموده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء/۷۰) و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم.»

و لذا انسان باورمند در راستای اصل کرامت نفس، نه خود را به گناهان آلوده نموده و کرامت نفس خود را با اعمال زشت و پلیدی، زیر پا می‌گذارد و نه از خطوط کرامت انسانی دیگران عبور می‌نماید. او نفس خود را به عزت آراسته و با دیگران نیز کریمانه برخورد می‌نماید. عیوب دیگران را پنهان نموده و عزت دیگران را بالا می‌برد.

مثبت اندیشی

انسان خداپاور به خداوند و اراده الهی و حرکت رو به کمال هستی خوشبین است و با این عقیده و نگرش مثبت به خداوند و نظام هستی، به آرامش و سکینه قلبی دست می‌یابد و این اعتقاد موجب شادی دائمی می‌گردد چراکه او نظام تشریح و تکوین الهی را بهترین و زیباترین نظام می‌داند و بنابراین هر آنچه برای او رخ دهد را به بهترین شکل تفسیر می‌نماید. انسان مومن طبق آیه «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَٰذَا بَاطِلًا سَبْحَانَكَ (آل عمران/۱۹۱) پروردگارا، اینها را بیپوده نیافریده‌ای منزهی تو!» نه تنها نظام آفرینش را دارای هدف و غرض دانسته؛ بلکه با نگاهی مثبت آن را وسیله‌ای برای رشد و تعالی خود بر می‌شمارد: «مَنْ كَانَ يُرِيدْ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ

تقوادماری

از منظر دینی معیار تعیین رفتار در ظاهر، «تکلیف الهی» است و هرگونه تخطی و انحراف گناه شمرده می شود. خداوند در آیه «فَأَنَّ خَيْرًا مِنَ الْزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونَ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ» (بقره/۱۹۷) در حقیقت، بهترین توشه، پرهیزگاری است، و ای خردمندان! از من پروا کنید. به انسان خداپاوار این پیام را اعلام می نماید که تقوا از مقوله هایی است که باید آن را در زندگی خود لحاظ نماید. انسان نوعاً از اختیار خود در جهت فساد بهره برده است: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» (روم/۴۱) به سبب آنچه دستهای مردم فراهم آورده، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است.»

انسان خداپاوار با علم به این که بعضی از افعال و اعمال اختیاری که توسط او صورت می گیرد مانع دستیابی اش به سعادت و رستگاری و عاملی جهت رسیدن آنها به شقاوت و بدبختی است. قرآن کریم سرّ غفلت انسان از مبدأ را همان غفلت انسان از خویشتن خویش می داند و می فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (حشر/۱۹) و چون کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و او [نیز] آنان را دچار خودفراموشی کرد آنان همان نافرمانانند. غفلت، آمادگی لقای پروردگار و گام نهادن در بساط قرب او را از انسان می گیرد، زیرا وصول به این مقام والا، جز در سایه معرفت و آگاهی امکانپذیر نیست. بنابراین یکی از مهم ترین نتایجی که توحیدمداری و معادباوری در انسان ایجاد می نماید، پرهیز از گناه و انحرافات و یک عامل مؤثر برای زدودن آثار غفلت و تحقق خدامحوری تقویت باورهای اعتقادی، استمرار و دوام ذکر است، زیرا، یاد خدا دل را بیدار می کند، روح را صفا می بخشد و چشم بصیرت را بینا می سازد و در پرتوی آن، انسان حق را می بیند و قادر به تشخیص سعادت از شقاوت می گردد. خداوند به پیامبر اکرم (ص) می فرماید:

« وَ لَا تَطْعُ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ وَ كَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا» (کهف/۲۸) از آن کس که قلبش را از یاد خود غافل ساخته ایم و از هوس خود پیروی کرده و [اساس] کارش بر زیاده روی است، اطاعت مکن. ذکر و یاد خدا از ویژگی های انسان های باورمند است که درجه ایمان و اعتقادات خود را تقویت و از تزلزل آن پرهیز می نماید. تمام این مفاهیم و آموزه های دینی بر انحراف گریزی و پرهیز از غفلت تاکید دارد.

پرهیز از دنیاگرایی

یک انسان باورمند و معتقد، در عین تلاش در جهت شکوفایی دنیوی و رشد و رفع موانع زندگی برای خود و دیگران، از هرگونه مادی گرایی و دنیا دوستی پرهیز می نماید. شخصیت این افراد وابسته به امور مادی و دنیوی نبوده و فقدان و یا از دست دادن این امور، ایشان را دچار تزلزل نمی نماید؛ زیرا باورهای او این پیام را به او می دهد که دل بستگی به دنیا و توجه بیش از حد به آن، موجب تاریکی دل و بی اعتنائی به حقایق و بالاخره ضعف ایمان و در نتیجه سلب آرامش می گردد. از این رو دیده می شود که اکثر ظلم ها، دشمنی ها، کینه ها، جنگ ها، خونریزی ها، جنایت ها و...

به خاطر علاقه به دنیا و تلاش برای به دست آوردن اندازه بیشتری از آن است. آیات زیادی در قرآن کریم شاهد بر این مدعا هستند و براین حقیقت دلالت می کنند: «وَمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ الْغُرُورِ» (حدید/۲۰) بدانید که زندگی دنیا، در حقیقت، بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی شما به یکدیگر و فزون جویی در اموال و فرزندان است. و «تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (انفال/۶۷) شما متاع دنیا را می خواهید و خدا آخرت را می خواهد. مقایسه دنیای گذرا با حقیقت زندگی آخرتی می تواند مانع جدی در برابر غفلت انسان معادباور باشد، خداوند در آیات قرآن کریم می فرماید:

«ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحْبَبُوا الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَ أَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (نحل/۱۰۷) زیرا آنان زندگی دنیا را بر آخرت برتری دادند و [هم] اینکه خدا گروه کافران را هدایت نمی کند.»

بنابراین غفلت ناشی از غرق شدن در مظاهر زندگی، یکی از ریشه های اصلی بدبختی انسان است، در حالی که ریشه خوشبختی بهشتیان، آگاهی و بیداری و ذکر خدا و بی توجهی به دنیاگرایی است که در آیات قرآن به آن اشاره شده است. قرآن کریم در این باره می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» (منافقون/۹) ای کسانی که ایمان آورده اید، [زنهار] اموال شما و فرزندان شما را از یاد خدا غافل نگرداند.» خداوند

در آیات خود با اشاره مستقیم به ارتباط بین باورهای اعتقادی و مقوله غفلت می فرماید: «لِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَ رَضُوا بِالْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَ اطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ» (یونس/۷) کسانی که امید به دیدار ما ندارند، و به زندگی دنیا دل خوش کرده و بدان اطمینان یافته اند، و کسانی که از آیات ما غافلند.» در این آیات، آخرین چیزی که روی آن تکیه شده «غفلت» از آیات الهی است که در واقع، ریشه اصلی انکار معاد و اعتماد بر دنیا و فراموشی آخرت است. از دیگر عوامل دنیاگرایی که باورهای دینی و اعتقادی را در انسان تضعیف می نماید و قلب او را دائماً به خویش مشغول نموده و قرار و راحتی را از او می رباید، آمال و آرزوهای دراز و دست نیافتنی است، چرا که همه فکر و تلاش انسان را به خود مشغول ساخته و از سایر امور غافل می سازد. این فرد هرگز روی آرامش را ندیده و هیچ موهبت و نعمتی او را راضی نمی نماید. امام علی (علیه السلام) می فرماید: «بدانید ای بندگان خدا! آرزوهای دراز، عقل انسان را می برد و وعده قیامت را دروغ می شمارد و انسان را بر غفلت ترغیب می کند و سرانجام، حسرت به بار می آورد» (۱۱). گاهی انسان باورمند است، اما به قدری فریفته دنیا و وسوسه های آن است که پا بر روی اعتقادات خود گذارده و به هوای نفس خود پاسخ مثبت می دهد. البته بهره بردن از دنیا برای رسیدن به ارزش ها و شکوفایی استعدادها، نه تنها نکوهیده نیست، بلکه شایسته و ستودنی است. این گونه تقویت باورها، سبب روحیه دنیاگریزی و عدم تعلق و وابستگی به دنیا می گردد که در رفتارهای فردی انسان موحد بروز و نمود دارد.

روحیه اجتماع پذیری

در نگاه انسان با باورهای توحیدی، آدمی با موجودات و اطرافیان خود مورد آزمایش و امتحان قرار خواهد گرفت و هر یک

خواهد داشت. بدون شک تاثیر اجتماع از تأثیری که توحید مداری و معادباوری بر انسان دارد، رنگ گرفته است. از مهم ترین این تاثیرات می توان به تأمین امنیت، آرامش و سلامت روانی، تعدی گریزی و تأمین امنیت دیگران، معناداری، هدفمندی و رضایت از زندگی، شادی و نشاط قلبی، رشد فضایل اخلاقی، سلامت جسمی، مثبت اندیشی، اصلاح و شکوفایی زندگی دنیوی، انحراف گریزی و پرهیز از غفلت، پرهیز از دنیاگرایی، عقل-گرایی، حضور در اجتماع و عدم انزوا نام برد. به طور کلی، انسان های باورمند در زندگی به شکل موثرتری ظاهر شده و در برابر مسائل مختلف مقاوم ترند. در فراز و نشیب های زندگی نقش الگو و رهبر را ایفاء نموده و خلاءهای عاطفی و روانی خود را با خلوت با پروردگار و استمداد از قدرت او پر می نمایند. بدون شک این افراد هدفمند بوده و از زندگی لذت بیشتری برده و در نهایت سعادت دنیا و آخرت نصیب ایشان خواهد شد.

باوجود تبلیغات وسیع تمدن و فرهنگ اومانیستی و بی خدایی در جهان، دین اسلام با راهبردهای مقدس خود سعی در تقویت رابطه انسان و پروردگار و تقرب به اوست. این تقرب در سایه تقویت باورهای دینی انجام پذیرفته و در سایه عبودیت خالصانه تحقق می یابد. انسانی که به شکل فطری در صدد کسب تعالی فردی و سعادت دنیوی و اخروی است، به تقویت باورهای اعتقادی خود خواهد پرداخت.

References

1. Motahhari, Morteza, 1999, Collection of Motahhari works, Tehran: Sadra Publications.
2. Sobhani Nia, Muhammad, Bita, Quran, Book of Ethics, Qom, Dar al-Hadith.
3. Qaradawi, Yousef, 2009, The role of faith in life, translated by Farzaneh Ghaffari and Mohsen Naseri, Tehran, Nashrahsan.
4. Mobini, Mohammad Ali, 2003, The Rationality of Religious Belief from the Perspective of Extraverts, Journal of Philosophy of Religion, No. 1, pp. 43-9.
5. Rasoolinejad, Rasool, 2012, Religious Belief, Religious Month Book Monthly, No. 15, pp. 88-86.
6. Parsa, Mohammad, 2002, The field of modern psychology, Tehran, Besat Publications.
7. Spilka, Bernard et al., 2011, Psychology of Religion, translated by Mohammad Dehghani, Tehran, Roshd.

از افراد حقی بر گردن او داشته و او هر کدام را مظهري از بندگان الهي می داند که باید به ادای حششان بپردازد. طبق آیه «یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» (حجرات/۱۳) ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت و ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. انسان برای زندگی اجتماعی آفریده شده است. و هر زندگی اجتماعی بر اساس یک سری قوانین و حقوق استوار است. حال این حقوق می تواند فردی یا اجتماعی باشد، تعالیم دین اسلام بر جنبه های مختلف روابط اجتماعی اعم از ارتباط سالم با همسایگان، ارحام، مسلمانان و حقوق آنان تاکید فراوان دارد و برای آنها، احکام و ضوابطی را وضع نموده است. اهمیت مساله را می توان در سیره رسول خدا(ص) جستجو نمود؛ ایشان به قدری نسبت به مسائل اجتماع و افراد آن احساس مسئولیت می نمودند که آیه «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَيَّ، أَنَا لَهُمْ إِنْ لَمْ يُمْنُوا بِهِآذًا الْحَدِيثَ أَسْفًا(کَهِف/۶) شاید، اگر به این سخن ایمان نیاورند، تو جان خود را از اندوه، در پیگیری [کار] شان تباه کنی.» به پیامبر(ص) تذکر می دهد. ابرچه پیگیری های رسول خدا(ص) تنها در حوزه اعتقادی نبوده و به همه مسائل فردی و اجتماعی امت مربوط می گشته است.

اهتمام ویژه اسلام به روابط اجتماعی از آنجایی مشهود می گردد که کمتر توصیه و حکمی در این دین دیده می شود که جنبه اجتماعی نداشته باشد. به عنوان نمونه، نماز که تجلی رابطه فرد با خداست توصیه به اقامه در جماعت شده است و برای آن، ثواب و فضیلت زیادی ذکر شده است. در آموزه های اسلامی، رابطه موثر با مردم و دوستی با آنها، اساس عقل و رکن دینداری محسوب می شود. بر همین مبنا، بهترین و سالم ترین نوع رابطه، رابطه ای است که بر مبنای بندگی خدا شکل گیرد چراکه امام علی (ع) فرمودند: «هرکس رابطه خود با خدا را اصلاح نماید خدا رابطه اش را با دیگران اصلاح می نماید (۱۱)». «ارتباط با خانواده، دوست و سایر افراد باید بر مبنای این اصل تحقق پذیرد. یکی از آثار مهم روابط اجتماعی، تأمین نیازهای مادی است. اساسا بخشی از روابط اجتماعی به دلیل تأمین این نیاز اساسی انسان شکل می گیرد. یک رابطه اجتماعی سالم، می تواند کارکردهای مثبتی در ابعاد سلامت معنوی روح فرد داشته باشد و حتی زمینه آسایش او را در زندگی پس از مرگ و حیات اخروی فراهم نماید. یکی از مهم ترین ویژگی های انسان های باورمند روحیه تعهد و مسئولیت پذیری و دلسوزی او نسبت به دیگران است. او نسبت به حوادث و مشکلاتی که در خانواده و دوستان و اجتماع رخ داده بی تفاوت نمی باشد و این نه مساله، نه تنها روحیه اجتماع پذیری او را رشد داده بلکه تا حد توان در رفع مسائل می کوشد. او طبق باورهای اعتقادی خود، تمام اعمال خود را مکتوب در نزد پروردگار دانسته و خود را موظف به عمل به تکالیف الهی می داند.

نتیجه گیری

باورهای دینی و اعتقادی اسلام که بر دو محور اساسی توحید و معاد قرار گرفته است، آثار و تبعات بسیاری بر فرد و اجتماع

19. Harani, Hassan Ibn Ali, 1404, Tahf al-Aqool, researcher and corrector Ali Akbar Ghaffari, Qom, Teachers Association.
20. Holy Quran, 1415 AH, translated by Mohammad Mahdi Fooladvand, Tehran, publisher of the Holy Quran.
21. Nahj al-Balaghah, 1990, translated by Seyyed Jafar Shahidi, Qom, Dara Al-Hijra Publications.
8. Karami, Jahangir et al., 2006, A Study of Multiple Relationships between Dimensions of Religious Orientation and Mental Health of Razi University Students, Journal of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University, No. 3, pp. 34-35.
9. Ghasemi, Soleiman, 1398, mental health with an attitude towards the teachings of religion and the way of life of the infallibles (AS), Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute.
10. Javadi Amoli, Abdullah, 1999, The biography of the Holy Prophet (PBUH) in the Quran, Tehran, Esraa Publications.
11. Majlisi, Mohammad Baqir, 1403, Baharalanwar, Beirut, Darahiyah Al-Tarath Al-Arabi.
12. Free agent, Muhammad ibn Hassan, 1409 AH, Shiite means, Qom, Al-Bayt Institute.
13. Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi, 1996, Teaching Beliefs, Qom, Islamic Propaganda Organization.
14. Ibn Hayyun, Nu'man ibn Muhammad al-Maghribi, 1385 AH, the supplications of Islam and the remembrance of the lawful and the forbidden, the cases and the rulings, Mohaqeq Asif Faizi; Qom: Al-Bayt Foundation, second edition.
15. Makarem Shirazi, Nasser, 1992, Sample Interpretation, Tehran, Islamic Bookstore.
16. Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah, 1998, Description of the Soldiers of Wisdom and Ignorance, Tehran, Institute for Organizing and Publishing the Works of Imam Khomeini.
17. Jafari, Mohammad Taghi, 1987, Translation and Interpretation of Nahjul Balagha, Publications of the Office of Islamic Publishing and Culture, Tehran, Second Edition.
18. Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Muhammad, 1412 AH, Glossary of Quranic Words, Beirut, Dar al-Qalam.